

یادآور

تعبیه‌ها روزی به‌سر می‌رسند



داوود علی‌بابایی

■ مساله بازگشت امام خمینی(ره) به ایران از ابتدای اقامت او در پاریس مورد بحث محافل سیاسی و مطبوعات بود ولی پس از رفتن شاه این سوال در بیشتر مصاحبه‌ها عنوان می‌شد و پاسخ امام(ره) به همه مصاحبه‌کنندگان این بود: «ر اولین فرصت.» در اوایل بهمن ماه ۱۳۵۷ خبر بازگشت زود هنگام امام خمینی(ره) در رسانه‌های خبری انتشار یافت. روز دوم بهمن یگان‌های گارد شاهنشاهی برای نمایش قدرت خود در حضور خبرنگاران خارجی رژه رفتند. فردای آن روز دولت و ارتش فرودگاه‌های کشور را بستند و پرواز تملای هواپیماها به ایران و از ایران به خارج متوقف شد. از همین موقع تظاهرات مردم تهران و شهرستان‌ها در اعتراض به بسته شدن فرودگاه‌ها شدت یافت. روز چهارم بهمن جمعیت کثیری به سوی فرودگاه مهرآباد روی آوردند و خواهان بازگشت امام خمینی(ره) به ایران شدند. در حالی که واشگنگتن و تهران درباره نحوه جلوگیری از ورود اسام(ره) به ایران بحث و مذاکره می‌کردند امام خمینی(ره) آماده بازگشت به ایران بود و با تصمیم‌گیری متهورانه و سرعت عمل قصد داشت حریف را مات کند. به گفته ژنرال هایزر حرکات و اقدامات آیت‌الله خمینی(ره) به حدی هوشمندانه انجام می‌گرفت که من متحیر بودم چه کسی برنامه‌ریزی آنها را انجام داده است و هنوز هم پاسخ این سوال را پیدا نکردام.

به رغم بسته بودن فرودگاه‌ها و بخش خبرهای مربوط به سئو‌قصد به جان اسام خمینی و نیز منحرف کردن هواپیمای حامل وی، ایشان اعلام کرد که ره زمان بخواهد به ایران مراجعت می‌کند. کمیته استقبال برنامه مفصل برای استقبال از ایشان تهیه دیده بود. کمیته استقبال عبارت بودند از: علی‌اصغر تهرنجی (مسئول انتظامات)، محمد توسلی (مسئول تبلیغات)، صباغیان (مسوول برنامه‌ریزی)، حسین‌شاه‌حسینی (مسوول تدارکات)، حجت‌الاسلام محمد مفتاح (سخنگو)، حجت‌الاسلام شیخ فضل الله جملائی (رابط روحانیت) و آیت‌الله مطهری (سرپرست).

روز ۹ بهمن ناگهان بختیار اعلام کرد که فرودگاه برای ورود آیت‌الله خمینی باز است. بختیار در توجیه تغییر موضع خود گفت: «من قضیه را به این شکل می‌دیدم این ملا که در ایران بودنش مشکلی نیست، می‌تواند به ایران بازگردد. ولی اگر خلاقی از او سر بزند، توسط دادگاه‌های صالح و طبیعتا با تمام تصمیم‌هایی که قانون پیش‌بینی کرده است به محاکمه کشانده خواهد شد. به من ایراد گرفتند که چرا گذاشتند او به ایران باز گردد. آیا می‌توانستم نگذارم؟ به‌علاوه از قدیم و ندیم گفته بودم که تمام ایرانیان بدون اجازه دولت حق ورود به ایران را دارند. به این اصل اعتقاد داشتم و امروز هم به آن معتقدم که جزو حقوق طبیعی هر شهروندی است»

سرانجام مبارزه تبلیغاتی با عقب‌نشینی بختیار و باز شدن فرودگاه‌ها پایان یافت و برنامه بازگشت امام خمینی(ره) برای روز ۱۲ بهمن اعلام شد. روز ۱۲ بهمن ۵۷ امام(ره) پس از ۱۴ سال و چند ماه تبعید با هواپیمای ۷۴۷ شرکت هواپیمایی فرانسه (ایرفرانس) عزائم ایران شد. ۱۵۰ نفری خبرنگاران خارجی که معدن‌ترین شبکه‌های خبری دنیا را نمایندگی می‌کردند در پروازی که موسوم به پرواز انقلاب شد، حضور داشتند. در فرودگاه پاریس امام(ره) ضمن پیمای به ملت فرانسه از میهمان‌نوازی مردم و دولت و اهالی نوفل‌لوشاتو تشکر کرد. در این سفر چند نفر از مشاوران امام(ره) همراه او بودند که متأسفانه در تصاویر کنونی از صحنه حذف و سانسور شده‌اند!

هواپیمای ایفرانس اسام(ره) و همراهان در ساعت ۹:۳۰ صبح در فرودگاه مهرآباد به زمین نشست. امام خمینی(ره) پس از ابراز تشکر از استقبال کنندگان، طی سخنان کوتاهی با تکرار برنامه‌های سیاسی خود، دولت بختیار را غیرقانونی و غاصب دانست. از طرف دولت آمریکا به سولیوان دستور داده شد نباید با شورای انقلاب مذاکره کند، زیرا این امر به نشانه شناسایی شورا به عنوان یک سازمان یا یک دولت تلقی خواهد شد. با این حال سفیر باید تماس خود را با عناصر اپوزیسیون که قبل از بازگشت امام خمینی(ره) با آنها تماس داشت، همچنان حفظ کند. این دستورالعمل در دوم فوریه روز بعد از بازگشت امام خمینی(ره) به تهران به سولیوان ابلاغ شد. روز بعد جان استمبل، مقام سیاسی سفارت آمریکا، با یکی از اعضای نهضت آزادی ایران تماس گرفت.

بازگشت امام(ره) به تهران از زبان ژنرال هایزر:

روبرت داج هایزر معروف به ژنرال هایزر در کتاب ماموریت مخفی در تهران می‌نویسد: ما نگران بودیم اما من فکر می‌کردم احساس من با آنها متفاوت است. آنها بدون شک احساس می‌کردند که لحظه ورود [امام] خمینی به خاک ایران به معنی آن است که شاه عملا مرده است. من این سوال را نداشتم، مساله من بهمن‌پینی‌واکنش جمعیت، خود [امام] خمینی و ارتش بود. هاله‌ای از تردید ذهن من درباره صحبت‌های سفیر درباره واکنش احتمالی ارتش فراگرفته بود. اینکه ناگهان هزاران سرباز از این سو به آن سو بروند.

ادامه در صفحه ۱۲

اوربانا فالاجی خبرنگار سرشناس ایتالیایی ، از آن حمله روزنامه نگاران در تاریخ مطبوعات جهان است که با بسیاری از برجسته‌ترین شخصیت‌های سیاسی و رهبران و روسای جمهور کشورهای مختلف جهان به گفت و گو نشستسته است. این گفت و گوی وی با امامخمینی(ره) در شهربورماه ۵۸ در حالی انجام شد که انقلاب اسلامی هنوز یکساله هم نشده بود. گرچه در سال‌های قبل متن این گفت و گو در دسترس بوده اما بار دیگر خواندن آن برای مخاطبان تاریخ سیاسی معاصر ایران همچنان جذاب است. آنچه در پی می‌آید منتخبی از متن کامل این گفت‌وگو است.

■ ■ ■

■ قبل از هر چیز، مرگ مرحوم طالقانی را به شما تسلیت عرض می‌کنم.

ان‌شاءالله موفق باشند. تشکر می‌کنم از تسلیت ایشان.

■ امیدوارم حضرت امام به سولاتی که من می‌کنم و شاید بعضی‌ها به ظاهر مسخره بیایند و بعضی‌ها ناراحت‌کننده باشند، با صبر و حوصله‌ای که من در ایشان می‌بینم به‌سادگی جواب بدهند.

بگوئید که اگر سوال‌ها بخواهد زیاد باشد من وقت ندارم و محدود باشد. یک چند سوالی باشد عیب ندارد. سوال‌ها را انتخاب کنید و آن سوالی که مهم است بکنید. برای اینکه زیاد طول می‌کشد.

■ حضرت امام خمینی! ایران در دست شماست و حرف‌های شما کاملا مورد قبول است و حرف‌های شما قانون می‌شود در این کشور و حالت اجرایی پیدا می‌کند. در مملکت بعضی‌ها هستند که فکر می‌کنند در این کشور آزادی نیست. حضرت‌تان چه می‌فرمایید؟

بگوئید که ایران در دست من نیست، در دست ملت است و ملت هم کسی را که خدمتگار باشد و مصالح‌شان را بخواهد، با آزادی مطلق، به او ممکن است رو بیاورد. شما ملاحظه کردید که فوت مرحوم آقای طالقانی سرنیزه‌ای نبود، زوری نبود، مردم با آزادی ریختند در خیابان‌ها و همه ایران منقلب شد. این نه این است که آزادی بدون قانون وجود داشته باشد، آن آزادی نیست، منتها آزادی است که مردم روی محبت و عشق‌شان و روی مبادی الهی به بعضی اشخاص که اینها را می‌شناختند به اینکه الهی هستند روی می‌آورد و این آزادی است.

■ آن‌طوری که در بیانات‌تان در قم –در گذشته نه نزدیک، بلکه خیلی دور– فرموده‌اید و حقیقتی بوده، آن است که مدرن شدن یک انسان این است که بتواند آزاد بیندیشد و آزاد تصمیم بگیرد و آزاد انتخاب کنی. منظور اسکان دارد؟ الان در کشور، کمونیست‌ها و سار باقلیت‌ها همه سیاسی و چه مذهبی و چه ملی– نمی‌توانند آزادانه اظهار بیان و اندیشه‌کنند.

بگوئید شما اول مساله‌ای را خیال کردید، بعد علتش را می‌پرسید. در مملکت ما آزادی اندیشه هست، آزادی قلم هست، آزادی بیان هست، ولی آزادی توطئه و آزادی فسادکاری نیست. شما اگر توقع دارید که ما بگذاریم علیه ما توطئه کنند و مملکت ما را به هرچ‌مورج و فساد بکشانند و مقصودشان از آزادی این است، در هیچ جای دنیا همچو آزادی نیست. اگر آزادی اندیشه است، آزادی بیان است، این آقای بنی‌صدر مطلعند و ما مطلعیم که ایشان همین کمونیست‌ها را و همان اشخاصی که غیر ما فکر می‌کردند، دعوت می‌کنند که نباید صحبت‌هایتان را بکنید. ما پنج‌ماه، بلکه بیشتر به‌طور مطلق به اینها آزادی دادیم، یعنی آزاد بودند که هر چه می‌خواهند بگویند و بکنند. حتی الان هم هر کاری می‌خواهند می‌کنند، لکن اخیرا مطلع شدیم که با الهام از رژیم سابق و اجاب و کسانی که می‌خواهند کشور را به تباهی بکشند، توطئه و خرابکاری کرده، خرمن‌ها و صندوق‌های آرا را آتش زده و با اسلحه، آن رفتار‌ها را کرده‌اند. قضایای اطراف کردستان را همان‌ها پیش آوردند و اگر ما سستی کنیم، سایر قضا یا را هم پیش می‌آورند.

اگر آزادی، آزادی بیان و عقیده و اندیشه است، آزادی هست و بوده است. این چیزی که جلوی‌ش گرفته شده است، این است که در ممالک دیگر که در آنها انقلاب شد و در آنجا‌ها که صدرصد ادعای آزادی می‌کردند، بعد از انقلاب، مطلقا از اعمال کسانی که توطئه می‌کردند، جلوگیری کردند. ما پنج ماه و بیشتر به آنها مهلت دادیم تا اینکه بر مردم و بر دنیا ثابت شد که قضیه، قضیه آزادی بیان نیست. قضیه، قضیه آزادی توطئه است. این آزادی توطئه را هیچ‌کس در هیچ جا و به هیچ‌کس نمی‌تواند بدهد.

■ منظورم گروه‌های سیاسی‌اند.

و احزاب هم همین‌طور، آنها هم خلاف آزادی‌شان– اگر توطئه‌نگر نباشند، حالا عملی که برخلاف آزادی باشد، نکردند و نشده است و اما اینکه می‌گوئید آنها رنج کشیده و در این باره فعالیت کرده‌اند، این معلوم می‌شود که درست از اوضاع ما مطلع نیستید. آنهایی که رنج کشیده‌اند، این توده مردمند. آنها یک عددهای‌شان در خارج بوده‌اند و حالا آمده‌اند در داخل و می‌خواهند بدون رنج استفاده بکنند. یک دسته هم اینجا بودند و در پناهگاه‌ها یا در خانه‌ها بودند و بعد از اینکه ملت، رنج‌ها را کشید و خون داد و همه کار‌ها را کرد، اینها آمدند و دارند استفاده می‌برند؛ مع‌ذلک کسی جلو اینها را نگرفته است و آزادی دارند.

■ منظور من بیشتر روی چپی‌هایی است که در زندان هم بوده یا به دست شاه شکنجه شده‌اند.
در این نهضت ما دخالت نداشتند. در نهضت ما هیچ‌کس از اینها نه تنها دخالت نداشتند، بلکه مخالف بودند. همین چهار تا هم که الان برخلاف ما دارند فعالیت می‌کنند، روی مسلک خاص‌شان هستند. نهضت ما یک نهضت اسلامی بود که چپی با آن مخالف است و مخالفت او هم با بیشتر است از مخالفت با شاه. آنها هم توطئه‌گرند و می‌خواهند همان مسایل را بر گردانند. من نظرم این است که چپی‌های ساختگی، نه چپی‌های

تاریخ



منتخبی از گفت‌وگوی اوربانا فالاجی روزنامه‌نگار ایتالیایی با امام خمینی، ۲۱ شهریور ۱۳۵۸

هیچ خوفی نیست

ترجمه: غلامرضا امامی

واقعی و ساخت آمریکا هم هستند، بنابراین این طور نیست که شما خیال کردید که چپی‌ها یک دسته‌ای هستند که در نهضت ما دخالت داشتند. هیچ دخالتی نداشتند، البته آنها برای مقصد خودشان هرچه بوده، یک کارهایی انجام داده‌اند که هیچ ربطی به نهضت ما ندارد. نهضت ما هیچ ارتباطی با چپی‌ها ندارد و چپی‌ها هم هیچ خدمتی به نهضت ما نکرده‌اند. هر چه کرده‌اند کارشکنی و خلاف بوده است. حالا هم توطئه‌گری از چپی‌هاست که چپی‌های ساختگی‌اند، نه چپی‌های واقعی.

■ حضرت امام! می‌شود بیان کنید که این ملت برای آزادی مبارزه کرده یا برای اسلام؟

برای اسلام جنگیده، لکن محتوای اسلام همه آن معانی است که در عالم به خیال خودشان بوده که می‌گویند دموکراسی. اسلام همه این واقعیت‌ها را دارد و ملت هم برای همه این واقعیات جنگیده، لکن در رأسش خود اسلام است و اسلام همه اینها را دارد.

■ یک تعریف ساده از آزادی، بیان کنید.

آزادی یک مساله‌ای نیست که تعریف داشته باشد. مردم عقیده‌شان آزاد است. کسی الزام‌شان نمی‌کند که شما باید

حتما این عقیده را داشته باشید.

کسی الزام به شما نمی‌کند که حتما باید این راه را بروید. کسی الزام به شما نمی‌کند که باید این را انتخاب کنید. کسی الزام‌تان نمی‌کند که در آنجا کجاسنک داشته باشید یا در آنجا چه شغلی را انتخاب کنید. آزادی یک چیز واضعی است.

■ حدی هست که بتوانند سیستم دولت خودشان را تعیین کنند، آیا این آزادی هم برای ملت هست؟

به همان ترتیبی که در همه جای دنیا هست، آنها می‌توانند یک انتخاب کنند. وکیل می‌تواند به حسب آن چیزی که ملت به او اعطا کرده، دولت را تصویب یا رد کند، رئیس‌جمهور را خود مردم تعیین کنند. همه اینها با دست خود مردم هست و خودشان می‌توانند انجام بدهند.

■ حضرت امام! شما چرا از اول روی کلمه دموکراتیک خط کشیدید و فرمودید «جمهوری اسلامی» نه یک کلمه بیشتر و نه یک کلمه کمتر؟ این کلمه را که این‌قدر برای ما عزیز است، خط زدید. در کشور الان در این‌باره صحبت می‌کنند.

توله این مسایلی دارد. یک مساله این است که این توهین، این را در ذهن می‌آورد که اسلام محتوایش خالی است از این، لذا احتیاج به این است که یک قیدی باشد.
اینها را درست می‌گویند که در آنجا انقلاب شد و در آنجا‌ها که صدرصد ادعای آزادی می‌کردند، بعد از انقلاب، مطلقا از اعمال کسانی که توطئه می‌کردند، جلوگیری کردند. ما پنج ماه و بیشتر به آنها مهلت دادیم تا اینکه بر مردم و بر دنیا ثابت شد که قضیه، قضیه آزادی بیان نیست. قضیه، قضیه آزادی توطئه است. این آزادی توطئه را هیچ‌کس در هیچ جا و به هیچ‌کس نمی‌تواند بدهد.

■ منظور من بیشتر روی چپی‌هایی است که در زندان هم بوده یا به دست شاه شکنجه شده‌اند.

در این نهضت ما دخالت نداشتند. در نهضت ما هیچ‌کس از اینها نه تنها دخالت نداشتند، بلکه مخالف بودند. همین چهار تا هم که الان برخلاف ما دارند فعالیت می‌کنند، روی مسلک خاص‌شان هستند. نهضت ما یک نهضت اسلامی بود که چپی با آن مخالف است و مخالفت او هم با بیشتر است از مخالفت با شاه. آنها هم توطئه‌گرند و می‌خواهند همان مسایل را بر گردانند. من نظرم این است که چپی‌های ساختگی، نه چپی‌های

شما رنج آور نیست؟ شما را دیکتاتور جدید ایران می‌خوانند، این شما را ناراحت نمی‌کند؟

از یک جهت البته ناراحتی دارد و آن اینکه دشمن‌های ما چقدر برخلاف انسانیت عمل می‌کنند. ما متاسفیم که یک طایفه‌ای این قدر برخلاف انسانیت و انصاف رفتار می‌کنند. از این جهت البته ناراحتی دارد. ما به حسب تعلیم اسلام برای عیب‌هایی که در بشر هست، باید متائر باشیم و از جهتی به نظر ما چندان اهمیتی ندارد، برای اینکه ما به راه حق می‌رویم و البته در راه حقی که در مقابل ابرقدرت‌هاست، مقابل با منافع بزرگ کشورهایی است که می‌خواهند اینها را بخورند و ببرند، من نمی‌توانم متوقع باشم که آنها بنشینند و نگاه کنند. البته این برای ما خیلی بی‌سابقه نیست. همچو نیست که کار بی‌سابقه‌ای برای ماست. ما می‌دانستیم که یک همچو حرف‌هایی هست، همیشه هست که یک ضعیفی که در مقابل قدرت‌های بزرگی می‌خواهد بایستد، این تهمت‌ها برایش هست. کسانی که اجیر شاه هستند، اجیر قدرت‌های بزرگ هستند، از آنها ما توقع نداریم که به ما هیچ زهرچشمی وارد نکنند. ما می‌بینیم که از خارج دارند در مملکت ما آشوب می‌کنند و می‌دانیم که آنها در روزنامه‌هایشان هرچه دلشان بخواهد تهمت می‌زنند. ولی من متأسفم که دشمن‌ها این‌قدر خلاف انصاف و خلاف انسانیت عمل کنند.

■ آنهایی که از شما ترس ندارند و من دیده‌ام که الان اینجا جلو منزل شما و در تهران «خمینی، خمینی» می‌کنند، احساسی که به انسان دست می‌دهد این است که این از یک تعصبی می‌آید. آیا شما این را برای پیشرفت و رشد انسان، خطرناک نمی‌بینید؟

این تعصب نیست. این آزادی‌دوستی است. این به اصطلاح شما دموکراسی‌دوستی است. اینجا احساس کرده‌اند که روی مصالح آنها عمل می‌کنیم. احساس کرده‌اند که ما نمی‌خواهیم به آنها ظلم بکنیم. آنها را نمی‌خواهیم به زور به یک کاری وادار کنیم. این احساسی است که اینها از اسلام دارند و احساس می‌کنند که ما تبع اسلام هستیم و مطابق احکام اسلام عمل می‌کنیم. این دو احساس در مردم هست. یکی اینکه اسلام را می‌دانند که رژیمی است که عدالت در آن هست و ما راه می‌دانند که تابع یک رژیمی هستیم که در آن عدالت هست و ما می‌خواهیم عدالت را اجرا کنیم. این احساسات از این جهت است، نه یک تعصب خشک بدون منطق و بدون مبنا. من اصلا هیچ خطری در این احساس نمی‌کنم.

■ شما خطر فاشیسم را در ایران امروز می‌بینید؟

هیچ، ابدا همچو خطری نیست. مادامی که این ملت به اسلام توجه دارد و تابع اسلام است و ما می‌خواهیم حکومت اسلامی درست کنیم، هیچ خوفی نیست، هیچ دیکتاتوری نخواهد بود و هیچ خطری برای این مطالب نیست. ما وقتی در معرض خطر هستیم که کمونیسم بتواند بر ما غلبه کند. آن وقت اول گرفتاری و دیکتاتوری است یا رژیمی نظیر رژیم شاه پیش بیاید. آن هم همان طور است و اما آن رژیمی که ما می‌خواهیم، رژیمی است که ملت ما دنبالش هست و دیکتاتوری در آن معصیت بزرگی است. فاشیسم پیش ملت ما از معاصی بزرگ است و هیچ همچو خطری پیش ما نیست.

■ ادر این فاشیسم جنبه مردمی و توده‌اش قوی است، یا ایتالیایی‌ها که در آنجا زندگی کرده‌ایم- موسیولینی و در آلمان هیتلر به این نوع افکار تکیه داشتند. این خطر همیشه هست که توده مردم به‌تدریج نوعی حکومت دیکتاتوری را به وجود بیاورند و آن رژیمی که به وجود می‌آید کاملا متکی به افکار عمومی است. اما در اعمال خودش مثل همان مطلق‌العدالت‌ها عمل می‌کند.

توده ما توده عامه‌ای است. تعلیمات اسلامی همان طوری است که در روحانیت هست و آنها به مردم تعلیم کرده‌اند. تمام این مسایل اسلامی که بر مبنای عدالت و آزادی و اختیار مردم و بر مبنای چیزهای متعالی‌ای است که در اسلام هست. عقلا امکان این هست که این مملکت از اسلام برگردد و بشود کمونیست. اگر چنین شد، مردم از اسلام برگشتند و کمونیست شدند، البته آن وقت برای اسلام این خطر هست، اما مادام که ملت ما مسلم است، برای ملتی که اسلام ندارد یا فرض کنید که تابع کمونیسم است، یا تابع اصول و مسالک دیگری هست، البته این خطر در آنها هست و در مملکت ما هیچ خطری به هیچ‌وجه وجود ندارد.

■ مطلب دیگری که در غرب خیلی در آن سروصدا شده، مساله اعدام‌هاست. می‌گویند تا حالا ۵۰۰ نفر بدون وکیل‌مدافع و تجدیدنظر در ایران اعدام شده‌اند. با این ترتیب موافقید؟

اولا ۵۰۰ تا نیست و بسیار کمتر است. علت این است که یا غربی‌ها این اشخاص را نمی‌شناسند یا می‌شناسند و متعمدند در اینکه خودشان را به تنهایی بزنند. اینها افرادی بودند که بسیاری‌شان علنا آمدند و مردم را در خیابان‌ها کشتند یا امر به کشتن مردم در خیابان‌ها دادند. این یک مساله میهمی پیش ملت ما نیست که تصور کنند شاید اینها صحیح بگویند و شاید دفاعی داشته باشند. کسی که در جمعیتی وارد بشود و آنها را زیر تانک ببرد، آن وقت آن یک نفر را در مقابل هزار نفر که کشته، می‌کشند، مع‌ذلک به آنها مهلت هم بدهند که صحبت‌هایشان را بکنند. البته قلم دست دشمن است و برای ما هر چه بخواهد می‌نویسد، اما واقعیت این‌طور نیست. آنهایی که در اینجا کشته شده‌اند، نه عددهشان آنقدر است و نه برخلاف موازین بوده. اینها هر کدامشان اشخاص را کشته، سلاها کرده، خانمان‌ها را سوزانده، پای اشخاص را در حبس‌ها ره کرده، آنها را روی تابه گذاشته و به برق وصل کرده‌اند. این اشخاص البته کشته نشدند ولی حق دفاع نداشتند. لکن ما چه کنیم که قلم به دست دشمن است و می‌خواهد ما را این‌طور جلوه بدهد.

ادامه در صفحه ۱۲

جمهوری سکولار در ترکیه جوان

حزب عدالت و توسعه به رهبری عبدالله گل تا امروز توانسته است هر جا که لازم باشد به عنوان نماینده اسلام و به‌عنوان دولت سکولار، نگهبان دستاوردهای آتاترک باشد. ترکیه برای عضویت در اتحادیه اروپا تلاش می‌کند و اتحادیه هر چند با حکومت دینی در ترکیه مخالف است اما خواهان کاهش فشار بر اسلام‌گرایان است. حزب عدالت و توسعه از زمان به روی کار آمدن توانسته است مدیریت اقتصادی دولت یکی از عوامل مهم این محبوبیت و پیروزی است اما اسلام‌گرایی آنکارا سران دولت، از عوامل محبوبیت آنها در میان توده مردم بوده است. هر چند «گل» وعده داده است به قانون اساسی ترکیه پای‌بند بوده و رئیس‌جمهور همه تر ک‌های مذهبی و غیرمذهبی باشد اما در سال ۲۰۰۸ دادستان کل دادگاه تجدیدنظر با استناد از دادگاه عالی کشور انحلال این حزب را تلقا کرد. اما تحت فشار آمریکا و اتحادیه اروپا و ترس از واکنش شدید در حوزه اقتصادی و بحران سیاسی که برپنده در دادگاه مسکوت ماند در حال حاضر مبارزه شدیدی بین سران حزب عدالت و توسعه و سکولاریسم وجود دارد. سران حزب عدالت و توسعه مدعی هستند که از تبدیل کشور به یک کشور بنیادگر جلوگیری می‌کنند و هدفشان ساختن کشوری با جامعه‌ای بازتر، بر پایه لیبرال‌دموکراسی و توسعه اقتصادی بر مبنای سرمایه‌داری و جهانی است، و با قدرت گرفتن این حزب، امروز سکولارها به کنج رانده شده‌اند و الگوی یک‌پام‌ودوهوایی ترکیه سکولار – اسلامی در منطقه و در بین کشورهای اسلامی زبان‌زد شده است. از ۱۰ سال پیش‌اندیشه ترکیه قدم‌های بزرگی در حوزه رشد سرمایه‌داری و اصلاحات بازار آزاد برداشته است و تغییر مهم دیگری در قانون اساسی که توسط اتحادیه اروپا ابلاغ شده است شامل انتخابات منظم – دولت غیرنظامی – ارتش کوچک‌تر بدون دخالت در سیاست و افزایش حقوق بشر است. در عین حال پیوندهای برده‌شده عثمانی خلیفه‌گری به دست آتاترک به طور محسوس در حال بغیه خوردن و ترمیم است. اگر تا چند سال گذشته هیچ نشانی از عثمانی و رابطه ترکیه با آن حکومت سنتی در رسانه‌های ترکیه به چشم نمی‌خورد، امروز به طور علنی، جمله «ما وارثان امپراتوری عثمانی هستیم» در برنامه‌های تبلیغاتی‌شان شنیده می‌شود. ساخته شدن سربال‌های مختلف از آن دوران و وصل شدن تاریخ صدساله ترکیه به تاریخ ۱۰۰ساله عثمانی، حکایت از رویایی بلندپروانه دولت اسلامی – سکولارا ترکیه دارد و یادآور خصومت سلطان سلیم عثمانی با شاه اسماعیل صفوی به عنوان دو دایعه حکومت اسلامی است. دیروز اگر غرب علیه عثمانی می‌خواست در کنار صفویه باشد، امروز به طور علنی می‌تواند علیه ایران و در کنار ترکیه قرار بگیرد. استقرار سراسر موسیقی آمریکا در خاک ترکیه نشانه بارز این صفای است و هیچ کدام ایران را به عنوان پرچمدار اسلام و ستونگی مثل اسلامی در جهان تحمل نمی‌کنند. البته آمریکا خواهان تعامل با رهبران کشورهای اسلامی است به شرطی که دست دوستی آمریکا را مانند دولت ترکیه بفشارد تا الگو و سرمشقی برای دیگر ملت‌های اسلامی باشند. ترکیه از این تأیید بال و پر گسترانده و خلیفه‌گری مدرن خود را به کشورهای اردستان‌رفته عثمانی به شکل مدرن توده‌ای می‌دهد و قیّم‌وار و راه نشانی می‌دهد. از نمایندگی کشورهای اسلامی برای ارسال کمک به نوار غزه و رودرو شدن با اسرائیل تا سفر به کشورهای انقلابی عربی برای ایه الگوی حکومتی، نشانگر اهداف بلندمدت ترکیه در منطقه است. امروز ترکیه سمبل اسلام‌طلب، صوبه و به پیشرفت و الگوی جهان برای یک مسلمان خاورمیانه است. تا جایی که در سال ۲۰۱۰ استانبول به‌عنوان پایتخت فرهنگی اروپا برگزیده شد. آرم شهرداری استانبول که به این مناسبت طراحی شد کمی طرحی در کاخ‌های عثمانی است که نمایی از مسجد و مناره است. فضای باز اجتماعی و آزادی و امنیت توریست‌ها در این کشور باعث رونق صنعت توریسم شده است. آزاد ترکیه رفتن از این کسب می‌کند. هر چند شهرهای بزرگ ترکیه رنگ و بوی شهرهای اروپایی به خود گرفته است اما فرهنگ مدرسالر و خشن حاکم بر آن همچنان به شدت خود باقی است. خشونت علیه زنان آمار بالایی دارد و هنوز غیرهنجار نشده است. چندمهری رواج دارد و از آن به عنوان «کناخ امام» و از ازدواج رسمی به‌عنوان «کناخ دولتی» نام می‌برند. در مخالفت از ترکیه «خون‌یس» به عنوان عرف قبیلای به شدت حفظ شده است و دختران هنوز برای بستن خون به خانواده مقتول هدیه داده می‌شوند طبق آمار تلویزیون ترکیه، هنوز از هر دوزن یک نفر به علت فقر مالی و فرهنگی، زیر ۱۸ سال به عقد رسمی یا غیررسمی مردی سالمند درمی‌آید. با این حال اقتصاد آزاد ترکیه به پیش می‌تازد. غرب از این خیزش استقبال می‌کند، سکولاریسم به کنجی رانده شده است و نفس‌های آخر را می‌کشد. درگیری بین قومیت‌ها هنوز بعد از صد سال به قوت خود باقی است. رجب اردوغان مانند یک پیشرو مسلمان در محافل و مشورت و میانجیگری‌های آمریکا و غرب با خاورمیانه و از جمله ایران نقش ایفا می‌کند. رسانه‌های ترکیه از استقبال گرم اوپاما از اردوغان سرمست می‌شوند و بارها و بارها ضمن تکیه از این نوع را با مباحث نمایش می‌دهند، و برای ما مقطعی از تاریخ کشور خودشان را یادآوری می‌کنند. زمانی که دولت‌های اروپایی برای تجزیه و انضمامالامپراتوری عثمانی در برلین و استانبول گرد آمدند از سلطان عبدالحمید استقبال گرمی می‌کردند و قرارداد ننگین تجزیه عثمانی را به تأیید و امضای وی رساندند و روزنامه‌های آن روزگار به‌بجای از دست‌فروشانشان از استقبال گرم سران اروپا با سلطان عبدالحمید قلم‌فرسایی کردند. اما افق آرزوهای خلیفه‌گری سران ترکیه تا کجاست و تا کجا با منافع آمریکا دنبال نخواهد کرد و این دوستی به کجا خواهد انجامید؟

منابع